

طباع تامّ در فلسفه اسلامی و مقایسه آن با «فروهر» در حکمت خسروانی

مریم اسدیان^۱؛ بابک عالیخانی^۲

چکیده

طباع تامّ مفهومی برگرفته از یک حکایت هرمسی است که نزد اشراقیون از جمله حقایق نوری و ربّالتّوعی بشمار می‌رود. اتحاد میان نفس و ربّالتّوع (عقل) از رهگذر تزکیه، ریاضت و رها شدن از عالم برازخ و تجرید رخ می‌دهد. این اندیشه که پیش از سهروردی در آراء ابوالبرکات بغدادی و دیگران نیز سابقه داشته است، از سوی ملاصدرا و شاگردانش تفسیر و تبیین شد. ملاصدرا طباع تامّ را صورت واحد عقلی و بالاترین مرتبه از مراتب وجودی انسان میدانند که دارای بیشترین درجه تجرّد است. وی این مرتبه را «روح‌القدس» مینامد و تصریح میکند که میان نفس و طباع تامّ هیچگونه مغایرتی وجود ندارد و اساساً همه هویت نفس

۱۷

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی (نویسنده مسئول)؛ maryam4.asadian@gmail.com

۲. دانشیار گروه ادیان و عرفان مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران؛ babak.alikhani1342@gmail.com

تاریخ تأیید: ۹۸/۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۳



انسانی به طباع تامّ او بازمیگردد. طباع تامّ اگرچه با تعالیم هرمسی پیوند دارد، اما از ریشه‌های خسروانی آن نیز غافل نمیتوان بود. در تعالیم مزدیسنايي، از اطوار و شئون نفس سخن رفته که بالاترین آن، فرّوشی یا فرّوهر است. فرّوهر، اصل آسمانی یا وجهی از مینوی خرد است که خود را بر پارسا مینماید و معارف را به او می‌آموزد.

نوشتار حاضر، پس از بررسی آراء فلاسفه اسلامی در باب طباع تامّ در پی این است که نشان دهد این مفهوم ریشه در خمیره ازلّی حکمت دارد که مطابق تبارشناسی سهروردی در دو شاخه شرقی و غربی حکمت، یعنی هم در تعالیم هرمسی (شاخه غربی) و هم در تعالیم خسروانی (شاخه شرقی) جزو اساسیترین مبانی معرفت‌شناسی بوده و سهروردی، در پی مقصود اشراقی خود، یعنی احیای خمیره ازلّی با طرح مفهوم طباع تامّ، حکمت خسروانی و حکمت هرمسی را جمع کرده و ملاصدرا نیز در این زمینه بر پی وی پوییده است.

کلیدواژه‌ها: طباع تامّ، فرّوهر، حکمت اشراق، حکمت صدرا، حکمت خسروانی

* * *

مقدمه

شیخ اشراق، سهروردی، در *المطارحات* از دو شاخه شرقی و غربی حکمت سخن گفته که از شجره حکمت ازلّی منشعب می‌گردد. او از این حکمت ازلّی با عنوان «خمیره مقدّسه» یا «حکمت عتیقه» نام میبرد که همه پیشوایان هند و پارس و بابل و مصر و قدمای یونان تا افلاطون بر گرد آن (بمانند یک قطب) گردیده‌اند و حکمت خود را از آن استخراج کرده‌اند و سهروردی خود در پی احیای این حکمت ازلّی بوده است. خمیره ازلّی حکمت از سوی رب‌النوع انسان (سروش) به او عطا میشود و چون اشراق سروش ازلّی، واحد و زوال‌ناپذیر است، بنابراین حکمت نیز ازلّی، واحد و زوال‌ناپذیر خواهد بود. وی در *الهیات مطارحات* مینویسد حکمت را خمیره‌یی است که تا ابد از عالم بریده نگردد:

۱۸

